## مراقبت از مو

**گروه اجتماعی-** موی سالم به مراقبت های خاصی نیاز دارد که یکی از آن ها مصرف برخی مواد خوراکی و توجه به تغذیه است. گاهی اوقات آسیب‌پذیری موها به علت رژیم غذایی ناسالم است. موی ضعیف با نشانه‌هایی از جمله شکنندگی، پژمردگی و نازکی قابل تشخیص است. علاوه بر این خشکی شدید یا چربی بیش از حد نیز می‌تواند از نشانه‌های ضعیفی مو باشد. این نشانه‌ها اغلب ژنتیکی هستند و از پدر یا مادر به فرزند منتقل می‌شوند. از دست دادن روزانه ۱۰۰ تا ۱۵۰ تار مو کاملا عادی و بی‌خطر است. به‌طور میانگین انسان‌ها ۱۰۰ هزار تار مو روی سرشان دارند. با ریزش هر تار مو، تار جدیدی رشد می‌کند و جایگزین می‌شود. این روند تا میان‌سالی ادامه دارد و ولی بعد از آن سرعت رشد موها کاهش می‌یابد و در نهایت متوقف می‌شود.

گاهی مو بر اثر شکنندگی زودتر از موعد می‌ریزد و نمی‌تواند ریزش طبیعی داشته باشد. شکنندگی مو معمولا زیر پوست سر و در ریشه آن اتفاق می‌افتد، یا وجود این که استفاده از محصولات با کیفیت می‌تواند به تقویت مو کمک کند اما استفاده نادرست و بیش از حد از این محصولات کاملا برعکس عمل می‌کند و می‌تواند یکی از علت‌های ضعیف و نازک شدن تارهای مو باشد.

آسیب‌پذیری مو با استفاده بیش از حد از مواد شیمیایی افزایش می‌یابد. مواد شیمیایی در بیشتر مواقع از طریق رنگ وارد تارهای مو و یا آسیب رساندن به فیبر مو باعث ضعیف و نازک شدن تارهای مو می‌شوند.

همچنین استفاده از دستگاه‌های حالت‌دهنده باعث کاهش مقاومت تارها می‌شود.

حرارت و دمای بالا به خصوص هنگام استفاده از سشوار و دیگر دیدن بافت پوشتنی مو و ایجاد اختلال در تعادل رطوبت تارهای مو موجب شکنندگی و ضعیف شدن آن‌ها می‌شود. برخی کشیدن مو‌ها برای آرامتگی تارهای مو و همچنین پخش کردن چربی در تمام نقاط پوست سر، کاری روزمره است که اگر از بررس مناسب برای موهای نان استفاده نکنید، آسیب‌هایی از جمله موخوره، ریزش سریع تارهای مو و شکستن بافت مو را به دنبال دارد.

موخوره یا همان مو شاخه شدن انتهای تارهای مو، یا وجود ضررهایی که برای سلامتی مو دارد، هنوز بدون هیچ درمان قطعی پابرجا مانده است. برای کنترل این مشکل که در بانوان رایج‌تر است باید هر ۶ تا ۸ هفته موها کوتاه شوند. روش‌های درمان موخره دیگری هم مانند استفاده از شامپوها و نرم‌کننده‌های ملایم و مرطوب کردن، محل دو شاخه شدن تارها با روغن‌های مخصوصی مانند بادام و زیتون می‌توانند تاثیرگذار باشند.

نکته

## کودک لوس

**گروه اجتماعی-** کودکان بر اساس این که در سال‌های اول زندگی چگونه تربیت شوند و آموزش ببینند، سبک خاص رفتاری پیدا می کنند.

این سبک رفتاری الگویی تقریباً ثابت و دایمی را برای آن‌ها به وجود می‌آورد و تعیین کننده شیوه برقراری ارتباط و برخوردهای آنان نیز هست. هر خانواده ای در ارتباط با فرزندان شیوه خاص خودش را دارد و این شیوه برخورد، در نحوه تلاقی با ساختار زندگی فرد، تاثیرگذار است و باعث می‌شود شخصیت‌های بسیار متفاوت و ممیاز شکل بگیرند.

چنان چه کودک مرتکب اشتباهی شود یا این که بخواهد تعیین کننده باشد و به والدین خود دستور دهد یا این که داد و فریاد و عصبانیت حرف خود را به کرسی بنشاند، در این خانواده هیچ گونه روش مناسبی برای جلوگیری از این رفتارها وجود دهی به آن‌ها وجود ندارد.

این نوع خانواده‌ها از لحاظ روان شناسی به خانواده‌های محبت کننده افراطی آزاد گذارنده معروف هستند؛ خانواده‌هایی که بی نهایت توجه، محبت و محافظت در مورد فرزندان خود دارند و در عین حال آن‌ها را برای انجام هر گونه عملی آزاد می گذارند.

یکی از سبک‌های غلط رفتاری کودکان، ناتوانی در ایجاد و برقراری رابطه سالم با همسالان است؛ یعنی کودکانی وجود دارند که راه‌های برقراری ارتباط سالم را نمی دانند. این گروه از کودکان «کودکان لوس» نام گذاری می‌شوند.

آن چه در این نوشتار مورد بحث قرار می گیرد عوامل مؤثر در شکل گیری این گونه رفتارهاست. یکی از دلایل لوس شدن کودکان روش های غیرقابل قبول والدین به لحاظ تربیتی است؛ والدین محبت کننده افراطی که معیارهای تربیتی و روش‌های یادگیری را در نظر نمی گیرند و صرفا با محبت‌های بی حد و حساب مانع اجتماعی شدن کودکان می‌شوند.

۷ سال اول

چنین کودکانی معنای صبر و تحمل را در زندگی نمی‌آموزند و انسان‌هایی معمولا بدون تحمل بار می‌آیند. خانواده‌هایی که بی نهایت توجه، محبت و محافظت در مورد فرزندان خود دارند و در عین حال آن‌ها را برای انجام هر گونه عملی آزاد می گذارند.

یکی از سبک‌های غلط رفتاری کودکان، ناتوانی در ایجاد و برقراری رابطه سالم با همسالان است؛ یعنی کودکانی وجود

## از پاکت نامه تا تلگراف

# صندوقی پر از خاطرات قدیمی

علوی

قدیم ها که از تلفن همراه خبری نبود مردم هر وقت دل شان می خواست با این که دل شان می‌خواهد برادرم بنویسد و او را از حال مان خبردار کند رفتن به پست خانه، تلگرافی برایش می زدند و روزها منتظر می ماندند تا خبری از عزیزشان بیاید و تا آمدن خبر هم دل آن ها آب می شد.

این روزها همه با یک تماس کوچک از حال هم با خبر می شوند و در چشم بر هم زدنی حتی تصویر آن هایی را که در آن سوی این کره خاکی زندگی می کنند، می توانند ببینند و بدون محدودیت خبرشان را بگیرند و جویای احوال شان باشند. این روزها شبکه های مختلف مجازی هم به جمع این همه تکنولوژی آمده است تا انسان ها را باری بخشد در سرعت انتقال اطلاعات را دوچندان کند. این تکنولوژی با این که چند سال است که به کشور ما هم رسیده و جا خوش کرده اما هنوز هم برای قدیمی ها و کسی سیدان ما لطف و صفای نامه ها و تلگراف های قدیمی چیز دیگری است و صندوقی پر از خاطرات از آن روزها دارند.

یک پدربزرگ بجنوردی سراغ خاطرات قدیمی خود می رود و بیان می کند: چیزهایی از آن موقع ها که نوجوان بودم به خاطر می آورم. به یاد دارم که هیچ گاه وسیله ای برای برقراری ارتباط با دیگران نداشتیم و فقط زمانی که برادرم به سربازی رفته بود، هر از گاهی پدرم به اداره پست و تلگراف آن زمان می رفت و خبر می گرفت که دستخطی از برادرم آمده است یا نه. «کاشانی» ۷۵ ساله ادامه می دهد: آن موقع ها تنها راه ارتباطی من همین تلگراف بود که هر چند وقت یک بار پدرم به فردی که باسواد بود می گفت دستخطی کوتاه برای برادرم بنویسد و او را از حال مان خبردار کند و دیگر هیچ گونه وسیله ارتباطی وجود نداشت. وی بیان می کند: البته از پدر و پدربزرگم در آن دوران شنیده بودم که افرادی به نام چاپار هستند که خبر یا کالایی را برای افراد می آورند و بیشتر وقت ها هم در کاروانسرای شهر اتراق می کنند اما به مرور زمان این کاروانسراها به محلی برای اتراق مسافران تبدیل شدند و دیگر کمتر چاپار یا پیکی به آن جا رفت و آمد می کرد زیرا افراد اهالی به نام اداره پست در شهرها تاسیس شد و مردم کارهای خود را از طریق آن اداره انجام می دادند.

شهروندی دیگر هم با مرور خاطرات گذشته خود و با استناد به برخی کتاب هایی که دارد، بیان می کند: آن طور که به یاد می آورم اداره پست در زمان فاجار در شهرک تاسیس و راه اندازی شد و پس از آن بود که ارسال تلگراف و صندوقی پر از خاطرات از آن روزها دارند.

پدربزرگ دیگری از خاطرات قدیمی خود می گوید: در آن روزها که ارسال تلگراف و اداره تلفن و مخابرات که بعدها به کشور ما راه پیدا کرد، اندام می شدند و گاهی نیز مستقل کار می کردند. «یزدانی» ادامه می دهد: بعد از آمدن اداره پست به بجنورد بسیاری از مشکلات مردمی که مسافرانی در راه دور داشتند رفع شد و هر زمان که اراده می کردند می توانستند به راحتی نامه ای بنویسند و به خانواده شان بفرستند و یا از طریق تلگراف خبر بدهند.

هم اشاره و بیان می کند: آن موقع ها که تازه به سن نوجوانی رسیده بودم آلبوم تمبری داشتم که هر وقت به اداره پست می رفتم از کارمندی که در شهر دیگری زندگی می کردند، دانستی و مدتی به شکل آزمایشی کار کردم و سرانجام مرا استخدام کردند. «تقی چرچیل» که پستچی یکدانه است، اظهارمی کند: آن موقع که من مشغول به کار شدم، اداره پست و تلفن با هم در چهارراه شریعتی (مخابرات) مستقر بود. وی می افزاید: حدود ۷ پستچی در آن زمان کار می کردند و نزدیک به ۲۰ نفر هم به عنوان نیروی اداری مشغول به کار بودند. این پستچی قدیمی کار خود را از ساعت ۹ شروع می کرد و البته آن موقع ها قبض های تلفن را نیز پستچی ها توزیع می کردند. حتی به گفته وی، حقوق مستمری بگیران تامین اجتماعی نیز آن موقع ها توسط پستچی ها به دست شان می رسید و هر ماه